

نقد و سبزه‌توبان باغچه‌های فارسی

شستون تریخ و تواریخ کلمه‌های

دو سبزه‌توبان باغچه‌های

از سبزه‌توبان باغچه‌های

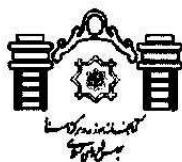
پرویز سبزه‌توبان

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۳



- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : البرز، پرویز، ۱۳۲۰ -
نقد و بررسی متون تاریخی به زبان فارسی و شناختی از تاریخ‌ها و تاریخ‌نگاران ایران
از سده چهارم تا انقلاب مشروطه (با گزینش و شرح نمونه‌هایی از متون تاریخی)/
پرویز البرز.
- مشخصات نشر : تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۸۸۴ص.
شابک : 978-600-220-213-0
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت : نمایه.
- موضوع : تاریخ‌نویسی -- ایران -- تاریخ
موضوع : تاریخ‌نویسان ایرانی
موضوع : ایران -- تاریخ -- قرن ۴-۱۳ ق. -- کتاب‌های نقدشده
- شناسه افزوده : ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۳ ۷۷ الف/۱۰۷ DSR
رده‌بندی دیویی : ۹۵۵/۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۲۸۸۸۸۶



نقد و بررسی متون تاریخی به زبان فارسی
با شناختی از تاریخ‌ها و تاریخ‌نگاران ایران
(از سده چهارم تا انقلاب مشروطه)
و گزینش و شرح نمونه‌هایی از متون تاریخی

پژوهش و نگارش: پرویز البرز

خط روی جلد و قطعه بسم‌الله... استاد محمد حیدری

صنایع چاپ: ملیحه بوجار

ناظر چاپ: نیکی ایوبی‌زاده

شماره انتشار: ۴۰۴

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۵۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-220-213-0

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

♦
انتشارات و توزیع:

میدان بهارستان، خیابان مجاهدین اسلام،

نیش کوچه آجانلو، ساختمان پلیس +۱۰، طبقه سوم

تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

♦
نشانی سایت اینترنتی: www.lcal.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@gmail.com

به نام صورت آرای معانی

با توجه به ممنوعیت کتبت احادیث نبوی در زمان خلیفه دوم، باین توجیه که ممکن است حرکات دیگری رقیبی برای قرآن مجید باشد، بالطبع ثبت و ضبط وقایع و رویدادهای گذشته و حال، که خواه ناخواه اخبار و احادیث نیز درمی آمیخت، دچار وقفه گشت. در ایام خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) که خطبه های او علاوه بر کتب توحید و قرآن و پیامبر (ع) بود، ثبت و ضبط اقوال مرسوم گشت و راه برای درج حوادث و اخبار ایام گذشته و حال باز گردید تا آنکه نگارش رویدادهای روزانه سیاسی، در اسلام، با گردآوری اخبار عرب، به دستور معاویه بن ابی سفیان - به وسیله صید بن شریه ابرمزی - به جریان افتاد. بنابراین می توان گفت که زمینه تاریخ نگاری در اسلام، از نخستین دهه های هجری بهوار گردید.

با آنکه دیوان خلفا - بنا به فرمان حجاج بن یوسف (۹۵-۱۱۵ ه.ق.) - به وسیله صالح بن عبدالرحمن، - که ایرانی بود - از فارسی به عربی بازگردانیده شد ولی چون دیوان رسالت خلفا بیشتر به وسیله ایرانیان - که موالی خوانده می شدند - اداره می شد، برجسته ترین مورخین و پدیدگزاران تاریخ نگاری در اسلام، امثال یعقوبی، طبری، ابوحنیفه، دیلمی، و حمزه اصفهانی، از میان همین نویسندگان و مورخین ایرانی عرب زبان و یا عربی نویسانی برخاستند که دیگری های زبان پهلوی و شیوه نگارش تشریدی، به وسیله آن با به نگاشتن دیوان رسائل و آثار قلمی عهد اسلامی راه یافت.

هر چند از زمان مستقیم، خلیفه عباسی، در پی توان یابی سرداران ترک و بروز سختگیری ها و تعصبات نژادی ترکان زرد پوست اورال و آلتائی، زبان کمتر و حتی گاه نوشتار، در بیشتر مرزهای غربی ایران به زبان ترکی بدل شد و گرچه اندک زمانی پس از حمله منول موجی از لغات و اصطلاحات منولی و ترکی چغتایی به دایره لغات و ترکیبات زبان فارسی - که طی دیرزمانی کاربرد انبوهی از مفردات و ترکیبات زبان تازی بومی آن شده بود - افزوده گردید، و با آنکه تاریخ نویسی به زبان عربی تا حده منول، به عنوان زبان غالب - به حیات خود ادامه داد ولی پس از آنکه برای نخستین بار فرمانگذاران منولی - در پی فتوحات نیاوردانه سرزمین های آباد و حاصلخیز ایران - آنان را به صرفات یا سخنرانی، به منظور حفظ و احیاء ارزش های نژادی قوم منول انداخت، اندک مجال برای احراز بیست زبان و ادب فارسی از جمله در پوشش تاریخ نگاری فراهم آمد. نگارش تاریخ جهانگشای جوینی، جامع التواریخ خواجہ رشیدالدین، و تاریخ و صاف الحضره، محصول همین دوران است؛ تاریخ ملی که با

همه کمی و کاستی، تا چند قرن الگوی تاریخ نگاری به شمار می رفتند؛ تا آنکه از حوالی سده دوازدهم هجری زمینه پیدایش سادۀ نویسی، اندک اندک، در انواع ادبی فراهم آمد.

در کتاب حاضر، کوشش شده است، ضمن معرفی تاریخ نگاران، تاریخ مایلی که از سده چهارم تا انقلاب مشروطه به زبان فارسی نوشته شده و یا از عربی به فارسی بازگردانیده شده اند، با گزینش و شرح نمونه ای از هر تاریخ، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی - که همواره با چاپ و نشر انواع متون کهن و مشهور کشف کنجینه های ارزشمند و یافتن ریزگشایش د شورای های متون ایرانی کوشا بوده است - امیدوار است با چاپ و نشر این کتاب توانسته باشد در راستای تحقق آرمان های درازدامن خود، به چنان گامی در خور برداشته باشد.

محمد رجبی
رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
مجلس شورای اسلامی

فهرست

۲۵	سرآغاز
۲۵	الف. سخنی چند
۳۰	ب. چند راهکار و راهنما
۳۱	پ. نشانه‌های اختصاری
۳۳	ت. سیاسی
۳۵	پیشگفتار

دوره اول

□ بخش اول: سامانیان و بخشی از غزنویان / ۴۳

	اشاراتی به اوضاع تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، و آشنایی با تاریخ‌ها و تاریخ‌نگاران ایران و
۴۵	گزینش و شرح نمونه‌هایی از متن‌های تاریخی
۵۰	شاهنامه‌های قبل از فردوسی
۵۳	چند نکته درباره مقدمه قدیم شاهنامه
۵۴	خلاصه‌ای از متن مقدمه قدیم و شرح آن
۵۷	کلیاتی درباره شاهنامه فردوسی
۵۷	۱. دوره اساطیری
۶۱	۲. دوره پهلوانی
۶۴	۳. دوره تاریخی شاهنامه
۷۴	درآمدی به منظومه تاریخی بهرام چوبینه

- ۷۵ خلاصه منظوم داستان بهرام چوبینه به روایت شاهنامه فردوسی
- ۸۸ شرح و تعلیقات
- ۹۵ ابوعلی محمد بلعمی و تاریخ بلعمی (ترجمه تاریخ طبری)
- ۹۷ تاریخ بلعمی
- ۱۰۰ [اندر حدیث] پادشاهی ضحاک تازی
- ۱۰۳ شرح و تعلیقات
- ۱۰۶ ذکر تغیر هارون الرشید بر آل برامکه و کشتن ایشان را
- ۱۱۳ شرح و تعلیقات
- ۱۱۵ ابوسعید عبدالحی گردیزی و زین الاخبار
- ۱۱۸ ابو مسلم عبد الرحمن بن مسلم
- ۱۲۰ شرح و تعلیقات
- ۱۲۱ فتنه یعقوب بن الیث
- ۱۲۴ شرح و تعلیقات
- ۱۲۵ تاریخ سیستان
- ۱۲۷ اکنون یاد کنیم سبب آتش کرکوی
- ۱۲۸ شرح و تعلیقات
- ۱۳۱ نسبت از هربن یحیی و حکایت آن
- ۱۳۳ شرح و تعلیقات
- ۱۳۵ یادداشت‌های پیشگفتار و بخش اول از دوره اول

□ بخش دوم: غزنویان / ۱۴۳

- ۱۴۵ اشاراتی به اوضاع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی و آشنایی با تاریخ‌ها و تاریخ‌نگاران ایران با
گزینش و شرح متن‌های تاریخی
- ۱۵۱ درآمدی به نثر واسطه (نثر مرسل عالی)
- ۱۵۳ ابونصر مشکان
- ۱۵۵ متن نامه‌ای که ابونصر، از زبان سلطان مسعود، برای قدر خان، خان ترکستان نوشته است
- ۱۶۰ شرح و تعلیقات

۱۶۳	ابوالفضل بیهقی دبیر و تاریخ بیهقی
۱۶۸	تاریخ بیهقی
۱۷۳	واقعه بوبکر حصیری
۱۸۰	شرح و تعلیقات
۱۸۵	اواخر روزگار بونصر و مرگ او
۱۸۸	شرح و تعلیقات

□ بخش سوم: سلجوقیان و خوارزمشاهیان / ۱۹۱

	اشاراتی به اوضاع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی با شناختی از تاریخ‌ها و تاریخ‌نگاران ایران، و
۱۹۳	گزینش و شرح متون تاریخی
۱۹۷	زمینه پیدایش نثر فنی
۲۰۱	خواجه نظام الملک طوسی و سیاست‌نامه
۲۰۸	سیاست‌نامه
۲۱۲	دادرسی پادشاهان عجم
۲۱۴	شرح و تعلیقات
۲۱۶	آیین شغل دادن و تعیین وظایف
۲۱۸	شرح و تعلیقات
۲۱۹	ابن بلخی و فارس‌نامه
۲۲۰	بهرام بن هرمز بن شاپور
۲۲۱	شرح و تعلیقات
۲۲۳	احوال شبانکاره و کُرد پارس
۲۲۶	شرح و تعلیقات
۲۲۸	مجمّل التواریخ و القصص
۲۳۰	پادشاهی کیخسرو شصت سال بود
۲۳۲	شرح و تعلیقات
۲۳۵	حدیث ملک کشمیر و هال
۲۳۶	شرح و تعلیقات

- ۲۳۷ خلافت المتوکل
- ۲۳۸ شرح و تعلیقات
- ۲۳۹ ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی و تاریخ بخارا
- ۲۴۲ ذکر ابتدای فتح بخارا
- ۲۴۴ شرح و تعلیقات
- ۲۴۵ سبب هلاک شدن مقنع
- ۲۴۷ شرح و تعلیقات
- ۲۴۸ علی بن احمد منتجب الدین و عتبة الكتب
- ۲۵۰ منشور تفویض شجری ترکمانان
- ۲۵۲ شرح و تعلیقات
- ۲۵۵ مکتوب آخر
- ۲۵۶ شرح و تعلیقات
- ۲۵۷ ابوالحسن علی بن زید بیهقی و تاریخ بیهق
- ۲۶۰ باب در ذکر هوای بیهق
- ۲۶۱ شرح و تعلیقات
- ۲۶۲ مسجد آدینه قصبة سبزوار
- ۲۶۴ شرح و تعلیقات
- ۲۶۷ بهاءالدین بغدادی و التوسل الى التوسل
- ۲۷۲ فتح نامه نبشته می آید بجانب خوارزم
- ۲۷۷ شرح و تعلیقات
- ۲۸۳ افضل اکرمانی و عقد العلی للموقف الاعلی
- ۲۸۶ در ذکر دولت آل سلجوق و ایام فترت ملک کرمان
- ۲۸۹ شرح و تعلیقات
- ۲۹۳ ابن اعثم کوفی و ترجمة تاریخ فتوح
- ۲۹۶ جنگ قادسیه و فتح مداین
- ۳۰۳ شرح و تعلیقات
- ۳۰۷ ابونصر هتبی و تاریخ یمینی با شناختی از مترجم آن

۳۰۹	فتح بست
۳۱۲	شرح و تعلیقات
۳۱۵	حوادث ایام
۳۱۷	شرح و تعلیقات
۳۱۹	نجم‌الدین محمد راوندی و راحة الصدور
۳۲۲	ذکر جور و ظلمی که در عهد مصنف در عراق می‌رفت
۳۲۴	شرح و تعلیقات
۳۲۷	السلطان معزالذلتیا و الذین ملکشاه بن محمد قسیم امیرالمؤمنین
۳۳۰	شرح و تعلیقات
۳۳۳	ابن اسفندیار و تاریخ طبرستان
۳۳۸	برگرفته از نامه تنسر به گشنسپ
۳۴۳	شرح و تعلیقات
۳۴۸	عود نمودن داعی و احوال موافقت ماکان با او
۳۴۹	شرح و تعلیقات
۳۵۱	سدیدالدین محمد عوفی و جوامع الحکایات و لوامع الروایات
۳۵۵	ذکر مُلکِ عبدالملک بن مروان
۳۵۵	حکایت
۳۵۵	حکایت
۳۵۶	حکایت
۳۵۷	شرح و تعلیقات
۳۵۸	ذکر خلافت امیرالمؤمنین ابوجعفر منصور
۳۵۸	حکایت
۳۶۰	شرح و تعلیقات
۳۶۱	یادداشت‌های بخش سوم از دوره اول

دوره دوم

مغول، ایلخانیان، گورکانیان / ۳۶۳

اشاراتی به اوضاع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی با شناختی از تاریخ‌ها و تاریخ‌نگاران ایران، و
گزینش و شرح متون تاریخی

- عظاملك جوینی و تاریخ جهانگشای
 ۳۸۳ ذکر خروج تارابی
 ۳۸۹ شرح و تعلیقات
 ۳۹۳ ذکر احوال ركن الدین و انتهای كار ایشان
 ۳۹۵ شرح و تعلیقات
 ۳۹۷ خواجه نصیرالدین طوسی و متن کیفیت واقعه بغداد
 ۳۹۹ کیفیت واقعه بغداد
 ۴۰۰ شرح و تعلیقات
 ۴۰۵ منهاج سراج و طبقات ناصری
 ۴۰۷ حکایت
 ۴۰۹ شرح و تعلیقات
 ۴۱۱ حدیث برافتادن ملاحدہ لعنہم اللہ [اجمعین]
 ۴۱۲ شرح و تعلیقات
 ۴۱۶ شهاب الدین محمد خرندزی و سیرت جلال الدین منکبرنی و نفثة المصدور
 ۴۱۹ ذکر مصاف میان جلال الدین و چنگیزخان
 ۴۲۳ شرح و تعلیقات
 ۴۲۵ ذکر عاقبت سلطان جلال الدین منکبرنی رحمه الله
 ۴۲۷ شرح و تعلیقات
 ۴۲۹ نفثة المصدور
 ۴۳۱ نمونه انشای خرندزی نسوی
 ۴۳۳ شرح و تعلیقات
 ۴۳۵ ابن بی بی و کتاب الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة
 ۴۳۹ در قیصریه
 ۴۴۱ شرح و تعلیقات
 ۴۴۴ ذکر احتیال پروانه و امیر داد و اغتیال خاص اغز و روزبه در سراء صاحب
 ۴۴۷ شرح و تعلیقات
 ۴۴۹ رشیدالدین فضل الله همدانی و تاریخ رشیدی یا جامع التواریخ
 ۴۵۱

- تاریخ رشیدی یا جامع التواریخ ۴۵۹
- حکایت وضع چاونا مبارک و خلل‌ها که بدان سبب در ممالک ظاهر شد ۴۶۴
- شرح و تعلیقات ۴۶۶
- حکایت بیست و سوم: در تدبیر یرلیغ‌ها و پایزه‌های مکرر که در دست مردم بود ۴۶۷
- شرح و تعلیقات ۴۷۰
- وصاف الحضرة و تاریخ و صاف ۴۷۲
- ذکر جلوس خان عادل آباقا ۴۷۵
- ذکر خواجه بهاء‌الدین و خواجه هرون ۴۷۷
- شرح و تعلیقات ۴۸۱
- ذکر احوال سعدالدوله یهودی ۴۸۳
- شرح و تعلیقات ۴۸۹
- فخر بناکتی و تاریخ بناکتی ۴۹۰
- قرامطه ۴۹۲
- شرح و تعلیقات ۴۹۴
- حکایت توجه هولاکو خان به دیار شام ۴۹۵
- شرح و تعلیقات ۴۹۷
- هندوشاه نخجوانی و تجارب السلف ۴۹۹
- مؤلف تجارب السلف ۴۹۹
- تجارب السلف ۵۰۳
- سیرت جعفر بن یحیی ۵۰۵
- شرح و تعلیقات ۵۰۷
- مقتل خواجه شهید نظام‌الملک طوسی ۵۰۸
- تاج‌الملک ابوالغنائیم مرزبان بن خسرو فیروز ۵۰۹
- شرح و تعلیقات ۵۱۱
- حمدالله مستوفی قزوینی با اشاره به آثار او ۵۱۳
- تاریخ گزیده ۵۱۵
- غزان خان ۵۱۷
- شرح و تعلیقات ۵۲۰

- ۵۲۲ در ذکر حکام قزوین
- ۵۲۵ شرح و تعلیقات
- ۵۲۶ ظفرنامه
- ۵۲۸ امارت یزید مهلب بر خراسان و فتح گرگان
- ۵۳۱ شرح و تعلیقات
- ۵۳۲ نزهت القلوب
- ۵۳۳ کریم آقسرائی و مسامرة الاخبار و مسامرة الاخيار
- ۵۳۵ ذکر مظالم ایرنجین و ظهور فتنه و آشوب
- ۵۴۰ شرح و تعلیقات
- ۵۴۳ محمد بن علی شیانکاره‌ای و مجمع الانساب
- ۵۴۵ خوارزمشاه اتسزین محمد ابن انوشکین
- ۵۴۶ خوارزمشاه ایل ارسلان بن اتسز
- ۵۴۷ شرح و تعلیقات
- ۵۴۸ ذکر بغداد خاتون
- ۵۵۰ شرح و تعلیقات
- ۵۵۱ محمود کتبی یا گیتی؟ و تاریخ آل مظفر
- ۵۵۳ ذکر احوال هزاره
- ۵۵۴ شرح و تعلیقات
- ۵۵۵ ذکر نقض عهد امیر شیخ ابواسحق
- ۵۵۶ شرح و تعلیقات
- ۵۵۷ ذکر قتل شاه حسن و وزارت خواجه توران‌شاه
- ۵۵۸ شرح و تعلیقات
- ۵۵۹ نظام شامی و ظفرنامه شامی
- ۵۶۳ ذکر تجدید وحشت میان امیر صاحب قرآن و یوسف صوفی
- ۵۶۶ شرح و تعلیقات
- ۵۶۸ ذکر فتح بغداد
- ۵۷۱ شرح و تعلیقات

- ۵۷۳ حسن بن محمد اشعری قمی و تاریخ قم
- ۵۷۵ ذکر بعضی از آتشکده‌های ناحیه قم
- ۵۷۷ شرح و تعلیقات
- ۵۸۰ ذکر نقض عهد، و شکستن پیمان، اهل عجم مر اهل عرب را
- ۵۸۵ شرح و تعلیقات
- ۵۸۷ شرف‌الدین علی یزدی و ظفرنامه
- ۵۹۰ گفتار در توجه رایت آفتاب اشراق بجانب فارس و عراق
- ۵۹۲ شرح و تعلیقات
- ۵۹۴ گفتار در توجه صاحب‌قران گیتی ستان بجانب بغداد و فتح آن
- ۵۹۷ شرح و تعلیقات
- ۵۹۹ حافظ ابرو و دو اثر وی: زیادةالتواریخ و مجمع‌التواریخ سلطانیة
- ۶۰۱ زیادةالتواریخ
- ۶۰۴ واقعه سوءقصد به شاهرخ
- ۶۰۹ شرح و تعلیقات
- ۶۱۵ مجمع‌التواریخ سلطانیة
- ۶۱۶ ذکر ایام جلوس و دولت کیاء بزرگ امید داعی دوم از نزاریه که او را امام می‌گفتند
- ۶۲۰ شرح و تعلیقات
- ۶۲۳ ... زعم اهل سنت...
- ۶۲۶ شرح و تعلیقات
- ۶۲۷ احمد بن حسین بن علی کاتب و تاریخ جدید یزد
- ۶۳۰ در ذکر صادرات و واردات زمان خاقان اعظم
- ۶۳۰ ذکر آمدن امیرزاده خلیل و شیخ جلال‌الدین
- ۶۳۳ شرح و تعلیقات
- ۶۳۴ محمد بن خاوند شاه بلخی و روضة الصفا
- ۶۳۷ اواخر قرن نهم هجری
- ۶۴۱ شرح و تعلیقات
- ۶۴۳ عزیمت تیمور به جنگ ایلدرم بایزید
- ۶۴۳ جنگ تیمور با ایلدرم بایزید و شکست سپاه روم

- ۶۴۴ شرح و تعلیقات
- ۶۴۵ کمال‌الدین عبدالرازق سمرقندی و مطلع السعدین
- ۶۴۸ ذکر جماعت سریداران و ابتدای حکومت ایشان
- ۶۴۹ ذکر ابتدای خروج سریداریه و حکومت ایشان در ممالک خراسان
- ۶۵۰ ذکر سرداری امیر وجیه‌الدین مسعود در سبزوار
- ۶۵۲ شرح و تعلیقات
- ۶۵۳ ذکر گرفتن شاه شجاع امیر مبارزالدین محمد را و میل کشیدن
- ۶۵۵ شرح و تعلیقات
- ۶۵۶ ابوبکر طهرانی اصفهانی و دیار بکره
- ۶۵۹ ذکر محاصره و فتح بغداد
- ۶۶۳ شرح و تعلیقات
- ۶۶۵ معین‌الدین محمد زمجی اسفزاری و روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات
- ۶۶۷ در جلوس سلطان سعید کرت [ثانی بر سریر مملکت خراسان بتأیید ربانی]
- ۶۷۰ شرح و تعلیقات
- ۶۷۲ در ذکر ملک غیاث‌الدین و بعضی دیگر از آل کرت
- ۶۷۳ شرح و تعلیقات
- ۶۷۴ یادداشت‌های دوره دوم

دوره سوم

صفویه، افشاریه، زندیه

- اشاراتی به اوضاع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، با شناختی از تاریخ‌ها و تاریخ‌نگاران ایران و
- ۶۸۱ گزینش و شرح متن‌های تاریخی
- ۶۹۱ زین‌الدین واصفی و بدایع الوقایع
- ۶۹۳ در ذکر وقایعی که در شهر سمرقند سمت ظهور یافت و آن آمدن نجم ثانی بود.
- ۶۹۶ شرح و تعلیقات
- ۶۹۹ خواندمیر و حبیب‌السیر

- گفتار در بیان ایالت طبقه سیم از سلجوقیه در مملکت روم و قونیه
 ۷۰۳
 شرح و تعلیقات
 ۷۰۷
- امیر محمود بن خواندمیر و ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی
 ۷۰۹
 ذکر کوچ کردن سلاطین ماوراءالنهر از ظاهر شهر و...
 ۷۱۵
 شرح و تعلیقات
 ۷۱۷
- گفتار در رفتن قزاق سلطان و اويس سلطان از پی ازبکان حرامی و دزدان نامی به موضع پل
 خاتون و استیلای سلاطین بر آن قوم زبون
 ۷۱۸
 شرح و تعلیقات
 ۷۲۰
- قاضی احمد غفاری قزوینی و تاریخ نگارستان و تاریخ جهانآرا
 ۷۲۱
 تاریخ جهانآرا
 ۷۲۲
 حرف چهارم در ملوک سریدار
 ۷۲۳
 شرح و تعلیقات
 ۷۲۴
 سبع و ستین و تسعمانه
 ۷۲۵
 شرح و تعلیقات
 ۷۲۷
 تاریخ نگارستان
 ۷۲۸
 من الوقایع
 ۷۳۰
 شرح و تعلیقات
 ۷۳۲
 من البدایع
 ۷۳۳
 شرح و تعلیقات
 ۷۳۵
- حسن روملو و احسن التواریخ
 ۷۳۶
 گفتار در قضایائی که در سنه ثلاث و ستین و ثمانمانه واقع شده و...
 ۷۴۰
 شرح و تعلیقات
 ۷۴۳
 ذکر وقایع سنه اربع و ستین و ثمانمانه و احوال سلطان جنید صفوی و...
 ۷۴۴
 شرح و تعلیقات
 ۷۴۶
- میریحی قزوینی و لب التواریخ
 ۷۴۷
 مظفریان
 ۷۵۰
 شرح و تعلیقات
 ۷۵۳
 صفویه
 ۷۵۴
 شرح و تعلیقات
 ۷۵۶

- ۷۵۷ قاضی احمد بن شرف‌الدین القمی و خلاصة التواریخ
 ۷۶۳ سال چهل و سیم از سلطنت آن گزیده خالق افلاک و ...
 ۷۶۷ شرح و تعلیقات
- ۷۶۹ اسکندر بیگ ترکمان و تاریخ عالم آرای عباسی
 ۷۷۲ در اصابت رأی و دانش خداداد و حسن تدبیر که مطابق صحیفه تقدیر است
 ۷۷۴ شرح و تعلیقات
 ۷۷۵ ناخوش شدن شاه عباس در بلدة طهران
 ۷۷۹ شرح و تعلیقات
- ۷۸۱ میرزا محمد طاهر وحید قزوینی و تاریخ جهان آرای عباسی
 ۷۸۴ شرح وفات الکسندر خان والی باشی آچوق و ...
 ۷۸۵ شرح و تعلیقات
 ۷۸۶ وقایع سنه ایت ثیل ۱۰۶۸
 ۷۸۷ شرح آمدن سلطان بلاغی به دارالسلطنة اصفهان
 ۷۸۹ شرح و تعلیقات
- ۷۹۱ محمد یوسف واله اصفهانی و خلد برین
 ۷۹۳ گفتار در ذکر بدایع وقایع خراسان و ...
 ۷۹۶ شرح و تعلیقات
 ۷۹۸ در ذکر ورود طایفه ترکمان و تکلو به حدود دارالسلطنة تبریز
 ۸۰۲ شرح و تعلیقات
- ۸۰۳ عالم آرای صفوی
 ۸۰۶ کشته شدن بیاقوبهادر به دست حسام بیگ
 ۸۱۰ شرح و تعلیقات
 ۸۱۲ آمدن شاه اسمعیل بهادرخان با قزلباش به تبریز و ...
 ۸۱۴ شرح و تعلیقات
- ۸۱۵ میرزا مهدی خان استرآبادی با شناختی از دره نادره و جهانگشای نادری
 ۸۱۹ تاریخ جهانگشای نادری یا تاریخ نادری
 ۸۲۱ در بیان تسخیر دارالسلطنة هرات و انجام کار افغانه
 ۸۲۳ شرح و تعلیقات

- در بیان طغیان محمدتقی خان شیرازی بیگلربیگی فارس و کیفیت تنبیه او
 ۸۲۴
 شرح و تعلیقات
 ۸۲۵
 حرکت نادر به هرات بعزم تاءدیب افغانان ابدالی
 ۸۲۶
 تسخیر اصفهان
 ۸۲۶
 استیصال اشرف
 ۸۲۷
 شرح و تعلیقات
 ۸۲۸
 در بیان استیصال اشرف بقهر قادریچون
 ۸۲۹
 شرح و تعلیقات
 ۸۳۱
 محمد کاظم وزیر و عالم آرای نادری
 ۸۳۷
 در بیان تعیین علیرضا بیگ افشار به سرداری حدود شوشتر و هویزه و ...
 ۸۴۳
 شرح و تعلیقات
 ۸۴۶
 در بیان سوانحات و مقدمات نواب کامیاب رضاقلی میرزا ...
 ۸۴۷
 شرح و تعلیقات
 ۸۵۲
 میرزا محمدصادق موسوی اصفهانی و تاریخ گیتی گشا
 ۸۵۳
 ذکر احوال دارالامان کرمان و مأمور شدن خدامرادخان
 ۸۵۶
 شرح و تعلیقات
 ۸۵۷
 در بیان محاربه لشکر نصره شعار با مصطفی خان قاجار و ...
 ۸۵۸
 شرح و تعلیقات
 ۸۶۰
 ابوالحسن غفاری کاشانی و گلشن مراد
 ۸۶۱
 در بیان شرح فرار رضا قلیخان قاجار از محبس اصفهان
 ۸۶۶
 شرح و تعلیقات
 ۸۶۹
 در بیان افتتاح قلعه شیراز به مفتاح بخت و طالع خداداد
 ۸۷۰
 شرح و تعلیقات
 ۸۷۱
 ذکر جلوس میمنت مانوس نواب استظهارالدوله محمدجعفرخان
 ۸۷۲
 شرح و تعلیقات
 ۸۷۴
 سیدحسن بن مرتضی حسینی استرآبادی و تاریخ سلطانی (از شیخ صفی تا شاه صفی)
 ۸۷۵
 یونت نیل نهصد وهجده، سال سیزدهم جلوس
 ۸۷۷
 قوی نیل نهصد و نوزده، سال چهاردهم جلوس
 ۸۷۹
 شرح و تعلیقات
 ۸۸۱

- سلطنت سلطان محمد
 ۸۸۲
 شرح و تعلیقات
 ۸۸۴
 ابوالحسن بن محمد امین گلستانه و مجمل‌التواریخ بعد نادریه
 ۸۸۵
 توضیح و تبیین قتل نادرشاه بوجه اجمال
 ۸۸۹
 شرح و تعلیقات
 ۸۹۵
 در بیان رفتن قاضی عمر به قلعه پیری و...
 ۸۹۶
 شرح و تعلیقات
 ۸۹۹
 عبدالکریم علی رضا شیرازی و تاریخ زندیه
 ۹۰۰
 در بیان صادرات امور زکی خان زند و کیفیت قتل او
 ۹۰۴
 شرح و تعلیقات
 ۹۰۶
 در بیان وقایع امور لطف علی خان و خاتمه کار او
 ۹۰۷
 شرح و تعلیقات
 ۹۱۱
 یادداشت‌های دوره سوم
 ۹۱۳

دوره چهارم

قاجاریه تا انقلاب مشروطه

- اشارات به اوضاع اجتماعی و فرهنگی، با معرفی تاریخ‌ها و تاریخ نگاران و گزینش و شرح
 متن‌های تاریخی
 ۹۱۷
 محمد ساروی و تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ)
 ۹۳۳
 در بیان کیفیت شهادت آن حضرت
 ۹۳۷
 شرح و تعلیقات
 ۹۴۰
 در بیان تحویل نوروز و ...
 ۹۴۲
 شرح و تعلیقات
 ۹۴۵
 عبدالرزاق بیک دثلی و مآثر السلطانیه
 ۹۴۷
 بیان یورش آوردن روسیه بر سر قلعه ایروان و ...
 ۹۵۲
 شرح و تعلیقات
 ۹۵۶
 میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و منشآت قائم مقام
 ۹۵۷

- ۹۶۱ کاغذ قائم مقام به میرزا بزرگ نوری
 ۹۶۲ شرح و تعلیقات
 ۹۶۳ نامه به میرزا محمد علیخان شیرازی...
 ۹۶۴ شرح و تعلیقات
 ۹۶۵ کاغذی که بشاهزاده خانم بعد از فوت مرحوم ولیعهد از خراسان نوشته
 ۹۶۶ شرح و تعلیقات
 ۹۶۷ لسان‌الملک سپهر و تاریخ فاجاریه (ناسخ التواریخ)
 ۹۷۲ هزیمت شدن لشکر انگلیس به قلعه بوشهر
 ۹۷۴ رسیدن لشکر ایران به برازجان و نه نیزک و...
 ۹۷۶ شرح و تعلیقات
 ۹۷۸ شرح واردات احوال شاهنشاه غازی محمد شاه قاجار
 ۹۸۰ شرح و تعلیقات
 ۹۸۱ محمد جعفر حسینی خورموجی حقایق نگار و حقایق الاخبار ناصری
 ۹۸۵ ذکر حقایق اخبار سال هزار و دویست و هفتاد و پنج
 ۹۸۸ شرح و تعلیقات
 ۹۹۰ ذکر حقایق اخبار سال نیکو فال هزار و دویست و هفتاد و نه...
 ۹۹۲ شرح و تعلیقات
 ۹۹۳ عبدالحسین خان سپهر و مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک المورخین
 ۹۹۶ استعفای دوم اتابیک علی اصغر خان امین‌السلطان
 ۹۹۸ جمعه بیست و چهارم جمادی الأولى
 ۹۹۸ شنبه بیست و پنجم جمادی الأولى
 ۹۹۹ یکشنبه بیست و ششم جمادی الأولى
 ۱۰۰۰ محمدحسن خان صنیع‌الدوله و تاریخ منتظم ناصری، و مرآت‌البلدان، صدرالتواریخ و خلسه
 ۱۰۰۶ تاریخ منتظم ناصری
 ۱۰۰۸ بیان احوال قحط در شهر اصفهان
 ۱۰۱۰ شرح و تعلیقات
 ۱۰۱۱ صدرالتواریخ
 ۱۰۱۲ شرح حال مرحوم میرزا تقی خان امیرکبیر اتابیک اعظم معروف به امیر نظام
 ۱۰۱۵ شرح و تعلیقات

- ۱۰۱۷ خلسه
- ۱۰۱۹ استنطاق میرزا محمد خان سپهسالار
- ۱۰۲۲ شرح و تعلیقات
- ۱۰۲۳ مرآت البلدان
- ۱۰۲۵ تهران - طهران معجم البلدان یا قوت حموی
- ۱۰۲۷ صورت جواب نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم دامت افاضة
- ۱۰۲۸ شرح و تعلیقات
- ۱۰۲۹ تهران
- ۱۰۳۲ شرح و تعلیقات
- ۱۰۳۳ میرزا ابراهیم شیبانی و منتخب التواریخ
- ۱۰۳۵ وقایع سفر فرنگستان
- ۱۰۳۹ شرح و تعلیقات
- ۱۰۴۰ ناظم الاسلام کرمانی و تاریخ بیداری ایرانیان
- ۱۰۴۳ صورت مکتوب آقای طباطبایی به عین الدوله
- ۱۰۴۴ توضیح یا حاشیه‌ای بر این مکتوب
- ۱۰۴۶ شرح و تعلیقات
- ۱۰۴۷ محمد خراسانی فدائی و تاریخ اسماعیلیه
- ۱۰۵۱ ... شاه هادی و ...
- ۱۰۵۴ شرح و تعلیقات
- ۱۰۵۵ یادداشت‌های دوره چهارم (قاجاریه)

نمایه

- ۱۰۶۱ ۱. نام‌ها
- ۱۱۰۵ ۲. جای‌ها
- ۱۱۲۱ ۳. سلسله‌ها، قبایل، ادیان و ...
- ۱۱۲۹ ۴. کتاب‌ها، مجله‌ها و ...
- ۱۱۳۹ کتاب‌نامه

سرآغاز

«... اول شرطی طالب این کتاب <کلیله و دمنه> را
حسن قرأت است که اگر در خواندن فروماند بفهم
معنی کی تواند رسید؟ زیرا که خط، کالبذ معنی است،
و هرگاه که در آن اشتباهی افتاد ادراک معانی ممکن
نگردد؛ و چون بر خواندن قادر بود باید که در آن تأمل
واجب داند و، همت در آن نبندد که زودتر بآخر رسد،
بل که فواید آن را بآهستگی در طبع جای می‌دهد...»
(نصراله منشی: ۳۹)

الف. سخنی چند

- مجموعه پیش‌رو حاصل سی‌سال آموزش و پژوهش بی‌وقفه - در مقطع
کارشناسی و کارشناسی ارشد - برای دانشجویان گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی
است، که به امید پرورش عشق و ایمان در ذهن و روان جوانان و ایجاد فضای آشتی و
الفت با متون زبان و ادب فارسی و تاریخ و فرهنگ ایران فراهم آمده است.
- آشنایی با متون زبان و ادب فارسی از گذشته در جایگاه دانش پایه بشمار آمده
ولی افسوس که نبود آگاهی به شأن و منزلت علوم انسانی موجب آمده است که زبان،
ادب، تاریخ و فرهنگ، در دیار ما دچار بی‌عنایتی و پامال جفای روزگاران شود:

شرح این هجران و این سوز جگر این زمان بگذارد تا وقت دیگر

از سوی دیگر نفوذ لغات و مفردات و اصطلاحات زبان عربی، ترکی، مغولی و نیز
اسالیب متغیر و متنوع نویسندگی در طول روزگاران شرح و بیان متون فارسی را گاه
چنان دشوار و مفاهیم را دیریاب به تصور درآورده که بسیاری را از خواندن و بررسی
ضروری‌ترین متن‌های برجسته زبان فارسی روی گردان ساخته است.

- عنوان کتاب حاضر (نقد و بررسی متون تاریخی به زبان فارسی) از فهرست برنامه دروس دانشجویان گروه تاریخ - مقطع کارشناسی ارشد - دانشگاه‌های کشور برگرفته شده است.

- در آغاز هر دوره لزوماً به ذکر برخی موارد تاریخی پرداخته شده است که منظور، گذری کلی به شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی و بیان پیوند ناگسستنی میان پدیده‌های تاریخی و اجتماعی، با زبان و ادب فارسی است و به هیچ روی پرداختن به تاریخ موردنظر نیست؛ که خود ضوابط دیگری را طلب می‌کند.

- در این مجموعه متن‌های تاریخی - که از سده چهارم و تا انقلاب مشروطه - به تألیف و ترجمه درآمده‌اند با گزینش و شرح نمونه‌های به نسبت خوشخوان و پرکشش طبقه‌بندی و بررسی شده‌اند.

- کوشیده‌ایم در حد امکان همه تاریخ‌های معتبر و تاریخ‌نگاران فارسی زبان را بررسی و شناسایی کنیم، از این رو تاریخ‌هایی که در فهرست نقد و بررسی کتاب نیامده‌اند، یا تاریخ‌هایی هستند مانند تاریخ یعقوبی (حدود سده سوم هجری)، مروج الذهب مسعودی (حدود سده سوم و چهارم هجری) و یا تاریخ الکامل ابن اثیر (حدود سده ششم و هفتم هجری)، که از آغاز به زبان عربی تألیف شده‌اند و بیشترشان در طی دهه‌های اخیر به زبان فارسی درآمده‌اند که پرداختن به نشر جدید بیرون از دایره بررسی ماست، و یا متن‌هایی اند مانند قلی‌پور نامه و رستم‌نامه و ازین دست متن‌هایی که بیشتر بر پایه افسانه و داستان و یا ادبیات تعلیمی و حکمت عملی شکل گرفته و درون مایه تاریخی لازم را ندارند.

- « منابع تاریخ ایران در عهد اسلامی - لااقل تا روزگار مغول - بیشتر عربی است . . . و مورخین عربی زبان در آن زمان غالباً ایرانی بوده اند » که از آن جمله نام کسانی مثل طبری، دینوری، حمزه اصفهانی را می‌توان بر وجه مثال ذکر کرد. > ضمن اینکه > تأثیر طرز و شیوه تاریخ نویسی قدیم ایرانی در تألیفات تاریخی عرب و اسلامی قدیم نیز محقق است. > و « حتی شاید تا اندازه‌ای نیز به تقلید و تتبع کتاب‌هایی مانند خداینامک پهلوی نظر داشته. > حذیر > « مندرجات خداینامه‌های پهلوی در آثار مورخین معروف عربی < زبان > مثل طبری و یعقوبی و مسعودی و دیگران نقل شده است و غالباً سبک و شیوه آنها مورد توجه و سرمشق این مورخین قدیم بوده است. >^۱

این منابع عرب زبان بیشتر در سده نوزدهم و بیش از آن در سده بیستم میلادی مورد پژوهش و استناد خاورشناسان بلندآوازه ای چون اشپولر (۱۹۱۱-۱۹۹۰ م.)، برکلمان (۱۸۶۸-۱۹۵۶ م.) و کریستین سن (۱۸۷۵-۱۹۴۵ م.)، لاکهارت (۱۸۹۰-۱۹۹۰ م.) قرار گرفته و ترجمه شماری از آنها مانند *مروج الذهب* مسعودی و *یا تاریخ یعقوبی* در طی چند دهه اخیر به همت مترجمین برجسته ایرانی به زبان فارسی بازگردانیده شده‌اند.

- سبک و شیوه نگارش «انواع نثر» - بنابه آثار بازمانده نثر فارسی پس از اسلام - پیوسته بنا به قانون تحول و تکامل به طور طبیعی تنوع و تغییر پذیرفته است که از میان انواع نثر محاوره‌ای، علمی و فلسفی، توصیفی و شاعرانه و غیره، مناسب‌ترین نوع نثر برای نگارش و ترجمه تاریخ، «نثر تاریخی» نامیده شده است که در نثرهای تاریخی ادوار گوناگون می‌توان از آن‌ها نشان گرفت.

- منظور از نثر تاریخی نثری مستقل از انواع نثر در ادب فارسی نیست بلکه نثر تاریخی هم مانند دیگر انواع نثر از گونه‌های دیگر نثر فارسی بشمار می‌رود؛ «همان گونه که در نثر صوفیانه اواخر سده پنجم و ششم با آثار متنوعی از صوفیه رو به رو می‌شویم که سرشار از رمز و راز و مقتضی آن زبان استعاره و کنایه است»^۱

نثر تاریخی از نظر چگونگی القاء مفاهیم و معانی «به طور طبیعی، در حدفاصل بین معانی علمی و وصفی قرار دارد... و از نظر معنی و مقصود باید با صراحت و روشنی و پیوستگی بیان شود <که> به طور طبیعی در شمار مراحل از نثر مرسل به حساب می‌آید.»^۲ چنان که پس از سامانیان و گرایش نثر به سوی «نثر واسطه» که هم دارای اختصاصات نثر مرسل است و هم ویژگی‌هایی از نثر فنی را دربر دارد، به متنی چون تاریخ بیهقی بر می‌خوریم که با رعایت موازین و معیارهای تاریخ نگاری، گاه به ساحت شعر نزدیک می‌شود. در ادوار بعد هم، رفته رفته به متن‌هایی می‌رسیم که از فرط کاربرد لغات و اصطلاحات مهجور و توجه به صنایع لفظی و معنوی - برای حفظ زیبایی و فصاحت کلام مانند نثر دره نادره - گاه از دایره درک و دریافت خواننده بیرون می‌شوند.

- برای آنکه بتوان سیر تحول و سبک و شیوه نگارش متن‌های تاریخی را به

۱. و نیز رک: صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۲، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۵۱، ص ۸۸۱.

۲. خطیبی، حسین، *فن نثر در ادب فارسی*. تهران، زوار، ۱۳۶۶، صص ۴۹-۴۶.

تفکیک بررسی کرد، با توجه به تغییراتی که در پی تحولات بزرگ اجتماعی و فرهنگی دامن گیر جامعه ایران و در نتیجه زبان فارسی شده و در سبک و سیاق تاریخ نویسی اثرگذار بوده است، این تحولات را ذیل «ادوار نظم و نثر» در طی چهار دوره به طور فشرده به قرار زیر مورد بررسی قرار داده‌ایم:

دوره اول:

بخش اول: سامانیان و بخشی از غزنویان

بخش دوم: غزنویان

بخش سوم: سلجوقیان و خوارزمشاهیان

دوره دوم:

مغول، ایلاخانیان و تیموریان

دوره سوم:

صفویه، افشاریه و زندیه

دوره چهارم:

قاجاریه تا انقلاب مشروطه

بدیهی است که مرزبندی و جداسازی ادوار نظم و نثر تا حدودی اعتباری است زیرا نمی‌توان به محض انقراض یک سلسله و روی کار آمدن حکومتی تازه، و یا با ورود از سده ای به سده دیگر، قائل به تحولات ناگهانی در زبان شد. چه، اگر بنابه فراهم آمدن شرایط و بسترهای ضروری و مناسب - در نحو زبان - تغییری صورت پذیرد، بی گمان بسیار کند و دراز آهنگ خواهد بود. از سوی دیگر، سیر تحول زبان و ادب فارسی حاکمی از آن است که با پایان گرفتن یک دوره در نثر و یا تغییر پذیرفتن یک سبک در شعر، چه بسا که همان سبک و شیوه در شعر و نثر دوره‌های بعد به وسیله شاعران و نویسندگان به گونه ای از سر گرفته شده است، چنان که با پیدایش سبک عراقی، سبک خراسانی به تدریج از رونق افتاد ولی از میان نرفت و هنوز هم برخی از سخنوران هم روزگار ما همچنان از سبک و روش گذشتگان پیروی می‌کنند. اگرچه از حدود سده دهم هجری نثر فارسی به سوی ساده نویسی پیش می‌رود، ولی بار دیگر میرزا مهدی خان استرآبادی، با تألیف دره نادره با نثر پیچیده و پر تکلف گذشته تجدید پیمان می‌کند.

بنابراین اگر چه متن‌ها به مقتضای فصل بندی کتاب و گذشتن از دوره‌ای به دوره دیگر

تفکیک شده‌اند. ولی باید توجه داشت که برای گذر از مرحله‌ای (برای نمونه نشر دوره سامانی) و رسیدن به مرحله دیگر (برای نمونه نشر عهد غزنوی) به آثاری بر می‌خوریم که حلقه اتصال میان نشر ساده و روان دوره اول با نشر دوره دیگر است، مانند نشر بونصرمشکان و بیهقی که از آنها به عنوان «نثر واسطه» یاد کرده‌ایم. همان گونه که پس از ورود به عهد سلجوقیان، در آغاز به متن‌هایی چون *فارسنامه* ابن بلخی، *مجمعل‌التواریخ* و *القصص* و *تاریخ بخارای نرشخی* بر می‌خوریم که هنوز رنگ و بوی نثر دوره پیش از خود را از دست نداده‌اند و به گونه‌ای حلقه اتصال و «نثر واسطه» اند؛ میان زمان گذشته و حال.

متن‌های تاریخی بر حسب موضوع و محتوا به چند دسته تقسیم شده‌اند: بخشی از آنها «تاریخ عمومی» اند. تألیف این گونه تاریخ‌ها از آفرینش جهان و حضرت آدم با تاریخ داستانی آغاز می‌شوند و پس از ذکر تواریخ انبیای قدیم «که به نحو مبهمی با تاریخ بابلیان و مصریان و رومیان آمیختگی دارد»^۱ معمولاً با تاریخ پیشدادیان، کیانیان، مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان ادامه می‌یابند و با ظهور پیامبر اسلام (ص) با ذکر وقایع اسلامی، حوادث را به روزگار مورخ می‌رسانند.

شماری دیگر از متن‌های تاریخی «خصوصی» اند که به شرح وقایع سلسله‌ای و یا رویدادهای دوره محدود و معینی اختصاص دارند، مانند *تاریخ بیهقی* و یا *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*، که هر یک به شرح و تحلیل حوادث و شخصیت‌های سلسله و دوره‌ای از تاریخ وابسته‌اند.

سدیگر «تاریخ‌های محلی» اند، که این گونه تاریخ‌ها معمولاً به شرح اوضاع تاریخی و گاه شرایط جغرافیائی شهری و یا ناحیه‌ای پرداخته‌اند - مانند *تاریخ سیستان* و یا *تاریخ بخارا* - که تاریخ‌های محلی در حوزه تاریخ نگاری به نوبه خود دارای ارزش و جایگاه ویژه‌ای هستند. چرا که بررسی و شناخت تاریخ عمومی هر کشوری به آگاهی از تاریخ‌های محلی و خصوصی هر بخش از نواحی گوناگون آن سرزمین باز بسته است، از این رو علامه قزوینی نگارش تاریخ جامع مبسوطی از ایران را منوط به گردآوری تاریخ‌های محلی ولایات گوناگون ایران دانسته و مکرر تصحیح و طبع نسخه‌های تاریخ‌های محلی موجود در ایران و نیز برداشتن تصویر یا رونوشت از نسخه‌های محلی کتابخانه‌های خارج از کشور را توصیه و تأکید نموده است.



ب. چند راهکار و راهنما

- اگر در بخش تعلیقات، برخی از کلمات به ظاهر ساده و آسان معنی شده اند، به دلیل خروج آن‌ها از معنای معمول و متداول در یک جمله یا عبارت بوده است.
- چون طبیعت کار در کتاب حاضر، نقل مطالب متنوعی را از منابع و مآخذ گوناگون ایجاب می‌کرد، و چون شیوه جمع بستن کلمات با «ها» در همه منابع و مآخذ یکسان نیست، از این رو برای جلوگیری از تشنّت و پراکندگی، «ها»ی جمع ترجیحاً جدا از کلمه نوشته شده است.
- البته در نثر دوره دوم که «ها»ی جمع در کلمات مختوم به «ها»ی غیر ملفوظ چسبان نوشته شده است به همان صورت مآخذ ضبط شده است.
- در نقل مطالب به رعایت رسم الخط و علامات و شیوه نگارش مآخذ وفادار مانده‌ایم و در اندک مواردی که در املائی کلمات منابع و مآخذ، غلط مطبعی و یا سهوی راه یافته صورت درست املائی هر کلمه در ذیل همان صفحه آورده شده است.
- کوشیده‌ایم رسم الخط کتاب با فرهنگ املائی خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی منطبق باشد.
- آوا نوشت کلمات و ترکیباتی که خواندن آنها دشوار به نظر آمده، به شیوه آوانگاری فرهنگ بزرگ سخن نشان داده شده است.
- آوانگاری حروف مشدد با تکرار حرف مشدد نمایش داده شده است مانند ذره Zarre.
- آوا نوشت کلمات مختوم به $a =$ به صورت تحت اللفظی (برابر زبان گفتاری رایج) نمایش داده شده است. برای مثال، نامه = nāma ترجیحاً nāme ضبط شده است.
- «های» غیر ملفوظ آخر کلمات در آوا نوشت هر کلمه به صورت a و e نشان داده شده است.
- شرح و تعلیقات هر متن در پایان همان متن با ذکر شماره همانم آورده شده است.
- یادداشت‌ها با ذکر شماره‌های ترتیبی همانم در میان دو قوس () آمده و در پایان هر دوره با شماره‌های همانم سامان داده شده است.
- برخی توضیحات با نشان ستاره * در متن و زیر نویس هر صفحه آمده است.
- افزوده‌های درون چنگک دو گوشه < از مؤلف است.

پ. نشانه‌های اختصاری

رجوع کنید به: رک

سطر: س

صفحه: ص

صفحات: صص

میلادی: م.

هجری قمری: ه.ق.

هجری شمسی: ه.ش.

بی تاریخ نشر: بی تا

معرّب: معر

نبود نام ناشر: بی نا

وفات: و

پرسش: ؟

ابهام: !

جلد: ج

چاپ: چ

معادل است با، یا برابر است با: $\rightarrow =$ و

راهنمای آوانگاری

فارسی	لاتین	فارسی	فارسی
Š	ش	ā	آ
Q	غ. ق	A	ا
K	ک	E	اِ
G	گ	j	ج
ī/i	ای	č	چ
OO/OU/ū	او	X	خ
·	همزه ساکن	Z	ذ، ز، ظ، ض
Aw	او	i	بی
Ž	ژ	مانند، 'joz' (جزء)	ء، ا، و، ناع

کوتاه شده شماری از فرهنگ‌ها

فرهنگ فارسی معین	فرهنگ فارسی معین
معین	فرهنگ فارسی معین
برهان	برهان قاطع
نقیسی	فرهنگ نقیسی
آندراج	فرهنگ آندراج
غیاث	غیاث اللغات
جهانگیری	فرهنگ جهانگیری
دهخدا	لغت نامه دهخدا
قرآن	قرآن مجید
قاموس مقدس	قاموس کتاب مقدس
صدری افشار و...	فرهنگ زبان فارسی امروز
مصطفی	فرهنگ اصطلاحات نجومی
سخن	فرهنگ بزرگ سخن

ت. سپاسی

- دوست دیرین و استاد بزرگوار، جناب دکتر اللهیار خلعتبری را، از جمله به پاس دل‌نمودگی‌های بی‌دریغ و مداومت‌های ستایش‌انگیزی که در رفع اشکالات تاریخی کتاب، به ویژه عهد سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان و مغول، در طول شب‌های بلند زمستان تا دیر گاه به کار داشتند، صمیمانه حق‌گزارم.

- از استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی‌اشرف صادقی به پاس همهٔ مهربانی‌ها و راهنمایی‌های دقیق و مؤثری که با همهٔ کم‌وقتی به ویژه در مطالعه و رفع ایرادهای نخستین بخش کتاب می‌دول داشتند، سپاس‌گزارم.

- زبان سپاس و حق‌گزاری من در برابر یاری‌ها و همدلی‌های همیشگی جناب آقای دکتر صادق بابایی، به ویژه در پیگیری‌های بی‌وقفه‌ای که برای چاپ و نشر این کتاب بزرگوارانه متحمل شدند ناتوان است.

- از جناب آقای دکتر عطاءالله حسینی استاد و مدیر ارجمند گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی که علاوه بر همدلی و همکاری مشفقانه، بخش تاریخ عهد صفوی را با لطف بسیار از نظر گذراندند و نیز از جناب آقای دکتر محمدعلی اکبری، دوست شفیق و همکار گرامی که تذکرات ارزندهٔ ایشان دربارهٔ سرمتن قاجار تا انقلاب مشروطه بسی مغتنم بود، همچنین از یاری‌گری‌ها و راهنمایی‌های بی‌دریغ همکاران ارجمند گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی به ویژه جناب آقای دکتر کریم سلیمانی، جناب آقای دکتر حسن باستانی‌راد که از راهنمایی و بذل مهر بی‌دریغشان همواره برخوردار بوده‌ام و از جناب آقای دکتر محمد حاجی تقی که در ترجمهٔ بخشی از آیات قرآن و جملات عربی یاری‌ام کردند صمیمانه حق‌گزارم.

- راهنمایی‌ها و مهربانی‌های کریمانهٔ جناب آقای دکتر احمد خاتمی را که با فرصت اندک و مشغلهٔ بسیار مرور مطالب عهد مغول، ایلخانیان و گورکانیان را با شکیبایی پذیرا شدند، قدردان و حق‌گزارم.

- پیوسته خود را وامدار مهربانی‌های بی‌دریغ و نکته‌یابی‌های دوست شاعر و هنرمند جناب آقای هوشنگ یعقوبی آذری می‌دانم که با همهٔ دل‌مشغولی، حروف‌نگاری بخشی از کتاب را همدلانه پذیرا شدند.

- راهنمایی‌های مشفقانهٔ دوست حافظ شناسم جناب دکتر بهرام اشتری را هرگز از یاد نمی‌برم که تا بسامان رسیدن این کتاب همواره مشوق یکدل و مهربان من بودند.

– از شیوای عزیزمان (سرکار خانم جزایری) سپاسی بی‌کران دارم که چون همیشه با مهر و یکدلی یار و مددکار من بود و از مرحلهٔ پاکت‌نویس کردن مطالب کتاب و فراهم آوردن منابع دیرباب تا فهرست‌نویسی و تهیه و تنظیم پیوست‌ها و مرور مکرر نمونه‌های دستی و حروف‌چینی شده، از هیچ‌گونه همراهی و یاری فروگذار نکرد، که بی‌گمان بدون محبت و همت بی‌وقفه و ستایش‌انگیز او کار این کتاب بسامان نمی‌رسید.

– دخترم رمانا البرز (عسکریان) را به پاس جان‌بخشی‌ها و مهربانی‌ها و به احترام هنرش و نگارگری‌های پر عمق و معنا دارش، و پسر من علی را که جویندهٔ حقیقت و ستایشگر راستی و درستی و نوازندهٔ پاک‌ترین نغمه‌های آسمانی و جان‌بخش موسیقی ملی ایران است ارج می‌گذارم.

– همسر یزدان‌پرست و مهربان، و هنرمند و نیکی‌شناسم را با دل و جان حق‌گزارم که با تن بیمار و ناتوان، شب‌های بسیاری را با شکیبایی و روی خوش – که جبلی اوست – در کنار من به نیمه رسانید.

ریاست ارجمند کتابخانه، موزه و مرکز اسناد، حوزهٔ معاونت پژوهشی، و به ویژه مدیر و کارکنان انتشارات کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی را صمیمانه قدردان و حق‌گزارم.

شکر که این نامه به عنوان رسید

پیش‌تر از عمر به پایان رسید

(نظامی گنجوی)

پرویز البرز

مهر ماه - ۱۳۹۳

پیشگفتار

ثبت تاریخ از روزگاران گذشته در ایران معمول بوده است و «پادشاهان بزرگ وقایع عمده زمان خود را به وسائلی گوناگون نگاهداری میکرده اند که از میان نرود و برای بازماندگان مایه تجربت و برای آیندگان موجب عبرت و اعجاب گردد، و خبر داریم که در عهد هخامنش این کار معمول بوده است و مطالب روزمره در روزنامه‌ها ثبت شده و در خزانه خاص این آثار که شاید (کنج نپشت) یا (دژنپشت) نام داشته است بودیعه نهاده می‌شده است و یا روی آجرهای گلی یا روی سنگ‌های کوه و الواح سنگی و فلزی یادگار کارهای خود را باقی می‌گذاشته‌اند.» ولی شاهنامه‌ها دیرینه‌سال‌ترین منابع تاریخ ایران بشمار می‌روند که از درون افسانه‌ها و حماسه‌ها زاده شده‌اند.

حماسه‌ها خود دارای زیرساختی تاریخی و روی ساختی اسطوره‌ای‌اند که ضمن بیان چگونگی ستیز و مقاومت تیره‌ها و تبارهای ایرانی - برای پیروز گردانیدن بایست بر نابایست و ایران بر انیران - به توصیف هنرهای پهلوانی و منش انسانی یلان و پهلوانان در قالب افسانه و داستان پرداخته‌اند. داستان‌های «کارنامه اردشیر بابکان»، «خدای نامک»^(۱) و بسیاری از داستان‌های خرد و کلان تاریخی که در طی قرن‌ها بر آن افزوده شده و به «شاهنامه مشهور ابومنصوری» انجامیده است، از شکل‌گیری تاریخ بر بنیاد افسانه و حماسه حکایت دارد و «قسمتی از روایات افسانه‌آمیز مربوط به پادشاهان ساسانی آن گونه که در روایات طبری و ابوحنیفه دینوری و ثعالبی و حکیم فردوسی و امثال آنها آمده است در واقع مأخوذ از کتاب‌هایی از مقوله همین کارنامه اردشیر بابکان و... بوده است... و چنان می‌نماید که هنگام جمع و تدوین خوتای نامک حتی هنگام تدوین تاریخ طبری و پیروز نامه و سیاست نامه و

مجموعه‌های متنوع و هفت گنبد هنوز مجموعه‌هایی یا مجموعه‌هایی از قصه‌های بهرام وجود داشته است و ذوق قصه‌پردازی نویسندگان این گونه کارنامه‌ها عناصر تاریخ و افسانه را به نحو ماهرانه‌ای درهم آمیخته است.^۱

علاوه بر کتاب «دینکرت» مهم‌ترین اثر به جامانده از فرهنگ پهلوی اواخر پادشاهی ساسانی و اوایل عهد اسلامی - که در آن از جمله درباره تاریخ باستانی ایران آگاهی‌های ارزشمندی می‌توان به دست آورد - در طی دو سده نخستین هجری، که زبان فارسی دچار بحران می‌شود، قصه‌ها و اساطیر و حرا‌ها و ترانه‌های عامیانه در حفظ و استمرار زبان فارسی و تاریخ ایران نقشی بسزا ایفا نموده‌اند. و گرچه قدیم‌ترین اثر تاریخی که از گذشته مانده و به ما رسیده است از مقدمه شاهنامه ابومنصوری، (۳۴۶ ه.ق.) پیش‌تر نمی‌رود، ولی آنچه مسلم است زبان فارسی با پیشینه طولانی دارای آثار مکتوب فراوانی بوده که در طی رویدادهای پیاپی از میان رفته است و بی‌گمان این داوری را نمی‌توان پذیرفت که مردمی با داشتن گذشته‌ای درخشان، در طی قرن‌ها، بدون پدید آوردن آثاری مکتوب ناگهان به آفرینش شاهکارهایی مانند سروده‌های رودکی، شاهنامه ابومنصوری و ترجمه تاریخ طبری توفیق یافته باشند. کتاب‌هایی چون مغازی حمزه^(۲) یا کاروند و اشارات پراکنده‌ای که در دیگر اسناد و مدارک و منابع موجود است، گذشته فرهنگ ایران و تداول زبان فارسی را در روزگاران گذشته قطعی و مسلم می‌دارند و گواهی می‌دهند که ایرانیان پیش از اسلام در دانش و فرهنگ و ادب جایگاهی بس بلند داشته‌اند و هر طبقه را زبانی و خطی جداگانه بوده است. «در بعض کتاب‌ها از قول عبدالله بن مقفع نقل شده است که پادشاهان ایران در مجالس خویش به زبان پهلوی سخن می‌گفته‌اند اما در خلوت‌ها با بزرگان مملکت به لغت خوزی تکلم می‌نموده‌اند. همچنین مردم بلاد مدائن و کسانی که بر درگاه پادشاهان بوده‌اند زبانشان دری بوده است و موبدان و مشوبان آنها به زبان فارسی سخن می‌رانده‌اند.^۲ چنان‌که نام کتاب‌ها و بسیاری از ترجمه‌های عصر ساسانی در دیگر منابع آمده؛ هر چند از آنها اثری مستقل برجای نمانده است.

۱. زرین کوب، عبدالحسین، از گذشته ادبی ایران، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۵، صص ۶۵-۶۴.

۲. زرین کوب، عبدالحسین، دو قرن سکوت، تهران، دنیا، ۱۳۵۲، چاپ چهارم، ۱۳۵۲، ص: زیرنویس ۱۱، و نیز: رک: صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱، صص ۱۴۲-۱۴۱.

در یکی دو سده نخستین اسلامی ایرانیان به زبان عربی - که به ویژه زبان آیینی آنان بود - توجه فراوان نمودند ولی زبان «پهلوی و ذری و سغدی و خوارزمی در بین عامه باقی نماند».^۱ زیرا زبان عربی زبان دین و حکومت بود و چه بسا که در همین دو سده نخستین هجری بسیاری از لغات و اصطلاحات اعتقادی و اداری تازی بر ساخته ایرانیانی بوده باشد که خواسته و ناخواسته در دستگاه‌های تازیان به عنوان موالی به خدمت گرفته شده بودند و لغات و اصطلاحات تازی با قلم آنان به زبان فارسی راه یافت، زیرا معمولاً سلطه سیاسی نقشی چشمگیر به ویژه در افزونی و کاستی لایه واژگانی زبان قوم مغلوب ایفا می‌کند؛ همان گونه که با سلطه اعراب خاصه در طی چند سده نخستین هجری، زبان فارسی لغات و اصطلاحات فراوانی را به خود پذیرفت و سنت‌های تازه‌ای در زبان محاوره و نظم و نثر فارسی پدیدار شد و دیری نگذشت که ایرانی‌ها پیچیده نویسی را از نثر عرب گرفتند و برای آنکه برتری علمی خود را به اعراب و دیگر صاحبان اندیشه و قلم ثابت کنند، کوشیدند با کاربرد آرایه‌های لفظی و معنوی، سجع و موازنه، اطناب و امتهشهاد به آیات و احادیث، هر یک بر هم پیشی بگیرند و در نتیجه چه بسا که جان سخن در پای این گونه پیشی جستن‌های ادبی قربانی شد و درک معانی آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان از دایره ذوق و زبان مردم فاصله گرفت و آفرینش‌های پیچیده و پرآرایه ادبی وسیله‌ای شد برای تفاخر سخن سرایان درباری. گویا عضدالدوله دیلمی بود که نثر یکی از دبیران فارسی نویسنده هم روزگار خود را از بسیاری سادگی دون شأن خویش دانست و آن را «کودکانه» خواند و چون آن نویسنده صورت مصنوع و پیچیده آن نثر را نزد عضدالدوله باز آورد، عضدالدوله گفت: شیخ از سخن ما چنان به خشم آمد که تکمله سخن او را نه ما می‌فهمیم نه خود او!

با سلطه ترکان زردپوست اورال و آلتایی، علاوه بر اینکه زبان گفتار و حتی گاه نوشتار، در بیشتر مرزهای غربی ایران به زبان ترکی مبدل شد، بسیاری از کلمات و اصطلاحات ترکی در نظم و نثر راه یافت و دیری نباید که با یورش مغولان کاربرد موجهی از لغات و اصطلاحات مغولی و ترکی جغتایی در زبان و ادب فارسی رایج شد و خواه و ناخواه نظم و نثر فارسی با زبان بیگانه بیش از پیش آمیخته شد.

✱

تاریخ نویسی از اوایل استقرار حکومت سیاسی و مذهبی اعراب (نهاد خلافت) پیش از هر دانشی مورد توجه آنها قرار گرفت زیرا اعراب آن را لازمه سیادت و پیروزی می‌دانستند و افسانه‌های تاریخی، گونه‌ای سرگرمی برای آنها بشمار می‌رفت. از این رو پیش از به نیمه رسیدن سده نخستین هجری، گردآوری اخبار عرب به دستور معاویه بن ابی سفیان، به وسیله عبیدبن شریه الجُرهمی آغاز گردید و نگارش رویدادهای روزانه سیاسی به جریان افتاد و تاریخ‌نگاری در اسلام بنا نهاده شد و گرچه به دستور حجاج بن یوسف (۴۵-۹۵ ه. ق.) دیوان خلفا به وسیله صالح بن عبدالرحمن - که ایرانی و از دیبران دیوان عراق بود - از فارسی به عربی بازگردانده شد، ولی از آنجا که دیوان رسایل خلفا بیشتر به وسیله ایرانیان و به تقلید از دیوان و دستگاه پادشاهان ایران اداره می‌شد، ویژگی‌های زبان پهلوی و نشر فارسی در دوره اسلامی به وسیله ایرانیان در مکاتبات دربار خلفا راه یافت.^۱ آتور کریستین سن، مستشرق دانمارکی می‌نویسد: «دبیرخانه دول اسلامی نیز مانند صدارت (!) عظمی تقلید کاملی از ساسانیان است.»^۲ و توصیفی که نظامی عروضی (۵۶۰ ه. ق.) از دبیرخانه روزگار خود می‌کند به طور کلی با وظایف دبیران زمان ساسانیان تطبیق تواند شد، از سوی دیگر پیدایش شعوبیه در اواخر عهد اموی و اوایل عباسی نقش چشم‌گیری در دگرگونی دیوان رسایل خلفا ایفا نمود و با آن همه دشواری که در طی سده‌های نخستین هجری بر ایرانیان تحمیل می‌شد ولی «حوزه‌های علمی ایرانی که مقارن حمله عرب در ایران وجود داشتند، تقریباً... به کار خود ادامه دادند.»^۳ و ایرانیان با فراهم آمدن کوچک‌ترین امکانی - در همه زمینه‌های علمی - به شایستگی ظاهر شدند، چنان که پس از نابودی بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس، ایرانیان نخستین گروهی از مسلمانان بودند که از سده دوم هجری علاوه بر نگارش و تألیف و ترجمه و تفسیر و نقل کتاب، درباره جبر و هندسه، موسیقی، اخترشناسی، پزشکی، فلسفه و دیگر شاخه‌های دانش آن روز به بلندترین پایه رسیدند و سنت دانش دوستی و دانش پروری گذشته را با پیدایش دانشمندان بزرگ از سر گرفتند و روزگار سامانیان را به نام «عصر طلانی تمدن اسلام در ایران» بلند آوازه ساختند، حال آنکه «عرب در صدر اسلام و قسمت بزرگی از دوره بنی‌امیه توجهی به علوم عقلیه نداشتند و کتاب الله و سنت رسول الله را برای سعادت دارین کافی می‌دانستند و به مسائل دیگر

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: بهار، سبک‌شناسی، ج ۱، صص ۱۶۲-۱۶۰.

۲. کریستین سن، آتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۸، ص ۱۹۷.

۳. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۰۸.

نمی‌پرداختند و پس از آنکه با غلبه عنصر ایرانی و برانداختن حکومت اموی و تشکیل دولت عباسی نفوذ ملل غیر عرب در دستگاه خلفا پا گرفت، توجه به علوم نیز آغاز گشت. عالمان نحو و حدیث و اصول فقه و کلام، و اکثر مفسرین، همه از عجم یا از کسانی بودند که تربیت و زبان عجمی داشتند و هیچ قومی به حفظ و تدوین علم قیام نکرد مگر عجمان و مصداق گفتار پیغمبر^(ص) آشکار شد آنجا که فرمود: اگر علم به اکناف آسمان باز بسته باشد، قومی از اهل فارس (ایران) بر آن دست خواهند یافت.^۱

خوارشماری ایرانیان و اعمال سیاست نژادی بنی امیه که «خود را آقا می‌دانست و معتقد بود که او برای آقایی و دیگران برای بندگی خلق شده اند»^۲ بر ایرانیان که با دیرینه ای درخشان به تحقق پیام های آسمانی اسلام چشم دوخته بودند، چندان گران آمد که بازتاب آن، زمینه تشکیل نهضت اجتماعی شعوبیه را فراهم آورد.

شعوبیه از اوایل سده دوم هجری به تبلیغ اندیشه های ضدعربی کمر بستند و شعارهای دهه های نخستین اسلامی را که بر بنیاد برابری و مساوات بنا شده بود سرمشق خود قرار دادند و باقیام فرهنگی و ادبی و برانگیختن شور و احساس میهنی در ایرانیان، برای رویارویی با عرب، به منظور به دست آوردن استقلال و احیای عزت و عظمت پایمال شده مردم ایران، همت گماردند و با فراهم آوردن امکانات در عهد عباسیان به سرایش و نگارش و نشر اندیشه های خویش نخست براساس اندیشه تساوی ایرانی و عرب و سپس برتری «عجم» بر «عرب» کوشیدند که از آن میان می توان از خرمی، شاعر سغدی، علکان شعوبی، ابوعثمان سعید بن حمید بختگان و بشار بن برد طخارستانی نام برد. اسماعیل بن یسار نخستین شاعر ایرانی نژاد عهد اموی چنان با برتری نهادن عجم بر عرب سر از پا ناشناخته در برابر هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ ه.ق.) سخن گفت که هشام برآشفته شد و به خفه کردن او در آب فرمان داد و «پدر همین اسماعیل یعنی یسار نسبت به آل مروان تا بدان جا دشمنی داشت که هنگام مرگ به جای بیان کلمه توحید (لااله الا الله) می گفت: «خداوند مروان را لعنت کند!»^۳

۱. صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، چاپ پنجم، صص ۳۴-۳۶.

و نیز رک: ۴۵-۶۶ و نیز رک: صفا، گنجینه سخن، ج ۱، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۰، ص: ۱۲۹-۶۵.

۲. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴، چاپ دوم، ص ۹۴.

۳. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۲۰.

هرچند در عهد بنی عباس در میان هواداران عرب با شعوبیه و جانبداران ایرانیان کار به مفاجره و حتی مجادله می‌کشید و امثال علامه جابر الله زمخشری عربی نویسی را از جمله برای به خاک مالیدن دماغ ایرانیان و فارسی زبانان روش علمی خود قرار داده بودند. وی «در مقدمه یکی از آثار خود درباره علم نحو، به این مدعا صراحت ورزیده است که من علی رغم شعوبیه که مایل بترویج زبان عربی نیستند این کتاب را می‌نویسم تا خدا را خوش آید و بینی دشمنان زبان عربی بخاک مالیده شود»^۱

هنوز دیری از قیام عباسیان در برابر حکومت امویان به سرداری ابومسلم در خراسان نگذشته بود که نخستین سلسله‌ها از حاکمان ایرانی، یعنی حکومت‌های طاهریان و صفاریان برپاشدند و پس از گذشت سال‌ها از حمله اعراب و نفوذ زبان عربی در بخش‌های غربی و جنوبی ایران که کانون زبان پهلوی بود، جنبش‌های تعیین‌کننده‌ای برای حفظ زبان و ادب، تاریخ و حماسه ایران، از خراسان و ماوراءالنهر - که نخستین خاستگاه ایستادگی ایرانیان در برابر امویان و عباسیان بود - شکل گرفت و لهجه دری توانست به تدریج جایگزین زبان پهلوی که پیش از اسلام در ایران رواج داشت، بشود. اگرچه در درگاه طاهریان و صفاریان مدت‌ها زبان عربی رسمیت داشت - که بی‌گمان در زبان فارسی اثرگذار بوده است - ولی دیری نپایید که پس از رفتن یعقوب^(۳) به هرات (۲۴۷ هـ. ق.) و گرفتن هری «شعرا او را شعر گفتندی به تازی چون این شعر بر خواندند او عالم نبود در نیافت، محمد بن وصیف حاضر بود و دبیر رسایل او بود و ادب نیکو دانست و بدان روزگار نامه پارسی نبود. پس یعقوب گفت چیزی که من اندر نیابم چرا باید گفت؟ محمد بن وصیف پس شعر پارسی گفتن گرفت...»^۲ که بسیاری از صاحب نظران این رویداد را زمان «توزایی زبان فارسی» و صفاریان را آغازگر فارسی نو در عهد اسلامی دانسته‌اند.

استاد سعید نفیسی می‌نویسد:

«چیزی که درین میان مُسلمست اینست که حتماً در قرن دوم نثر فارسی بوده است زیرا که «بهافرید» پسر «ماه فروردین» که پیش از خلافت بنی‌العباس (در سال ۱۳۲) در خراسان دینی تازه آورده بود و از مردم حوالی نیشابور بود پیروان خود را هفت نماز بزبان فارسی مقرر داشت و برای این هفت نماز کتابی بزبان فارسی تألیف کرده بود»^۳

۱. بهار، سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۱۵۰ زیرنویس.

۲. تاریخ سیستان، ص ۲۰۹.

۳. نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۱، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۲۷.

ولی «از نثر فارسی قرن سوم جز بعضی جمله‌های پراکنده که در کتب عربی مانده چیزی بدست نیست. به همین جهت نمی‌توان دانست که نثر فارسی در این زمان چه حال داشته است».^۱

قدیم‌ترین آثار دری سده چهارم هجری، شاهنامه مشور ابوالمؤید بلخی در شرح تاریخ و داستان‌های ایران قدیم است، که فقط قطعه‌ای از آن در تاریخ سیستان آمده است^(۲)، سپس شاهنامه ابو علی محمد بن احمد بلخی شاعر است که تنها یک بار از او در آثار الباقیه (ص ۹۹، چاپ لایپزیک) سخن رفته است.^۳ آنگاه به مقدمه شاهنامه ابومنصوری، عجایب البلدان ابوالمؤید بلخی، تاریخ بلعمی، و آثار پراکنده‌ای چون اخبار فرامرز، اخبار بهمن، کتاب گر شاسب، اخبار نریمان، اخبار سام، اخبار کیتباد بر می‌خوریم. در تاریخ سیستان در باب «سپری گشتن میر عمرو بن اللیث و سپری گشتن المتعصد بالله» پس از ذکر برخی از سیر یعقوب لیث صفار، از زبان یعقوب شکوه و هشدار ی چنین نقل می‌شود:

«...بسیار گفتمی که دولت عباسیان را بر عذر^۴ و مکر بنا کرده اند، نینی که بابو مسلمه [=بوسلمه] و بو مسلم [=ابو مسلم خراسانی] و آل برا مکه و فضل سهل با چندان نیکویی کایشانشرا => کایشانرا اندران دولت [بود] چه کردند؟ کسی مباد که برایشان اعتماد کند!»^۵

چگونگی انتقال خلافت از بنی امیه به بنی عباس در آن روزگار، ارزش و اعتبار چشمگیری برای ایرانیان در جهان اسلام فراهم آورد و موجب حرمت و آبروی تازه‌ای برای ایرانی‌ها در دربار خلفا شد تا بدان‌جا که منصور عباسی (۱۵۳) به پوشیدن جامه ایرانی مباحی بود و خلفای عباسی برای گزینش همسر از میان ایرانیان بر یکدیگر فخر می‌فروختند و برجسته‌ترین مشاغل دستگاه عباسیان به پارسیان سپرده می‌شد. خاندان‌های بزرگ و خوش‌نامی چون آل برمک، آل سهل و آل طاهر مدت‌ها حساس‌ترین شغل‌ها را برعهده داشتند. ولی دیری نپایید که خلفا از هشیاری و زیرکی ایرانیان به وحشت افتادند و از فرط بیم و نفرت، بی‌رحمانه دست به خون آنان آلودند.

۱. همان، ص ۲۰.

۲. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۶۱۲.

۳. صورت صحیح کلمه «غدر» به نظر می‌رسد.

۴. تاریخ سیستان، صص ۲۶۸-۲۶۷.

کشتار فجیع مردان بزرگ به ویژه قتل عام برمکیان بی گمان چندی نفوذ ایرانیان را کاهش داد ولی دیری نپایید که به انتقام خون های ریخته، ایرانیان، امین خلیفه عباسی را که سخت گیرانه جانب دار سیاست عرب بود به خواری کشتند (۱۹۷) و مأمون را که مادری ایرانی داشت به جای وی بر تخت نشاندند و با روی کار آمدن سردار بزرگ ایرانی - طاهر ذوالیمینین - و ایجاد حکومت طاهری در خراسان و وزارت فضل بن سهل سرخسی^(۵) بخشی از آرزوهای دیرینه خود را برای به دست آوردن استقلال سیاسی عملی کردند، نخستین ضربه را بر امپراتوری عرب در ایران وارد آوردند و تا زمان خلافت معتصم بالله (۲۱۸) ایرانیان با توانایی و اقتدار مهم امور دستگاه عباسیان را در دست گرفتند ولی چون معتصم از نفوذ ایرانیان سخت بیمناک بود و نیز در پیوند اعراب با خود حقیقتی نمی یافت به ترکان روی آورد و از این زمان نفوذ ایرانیان روبه کاهش رفت و سرانجام زمینه انحطاط و نابودی عباسیان نیز فراهم گشت. «نفوذ ایرانیان در دستگاه حکومت اسلامی چند نتیجه داشت و از آن جمله است: ۱. رسوخ تمدن و عادات و رسوم و تشکیلات اداری و اجتماعی ایرانیان در تمدن اسلامی. ۲. انحصار مقامات عالی به ایرانیان. ۳. ایجاد نهضت بزرگ علمی و اجتماعی که منجر به تشکیل تمدن عظیم اسلامی گردید.»^۱ هریک به نوبه خود به تغییر و تکامل زبان فارسی یاری داد که در گفتارهای آینده به آن خواهیم پرداخت.

✱

با آنکه همه اندک دانایی و توانایی خود را برای هر چه بیشتر مایه ورشدن این مجموعه به کار داشته ام ولی بیرون از انتظار نمی تواند بود که سهو و خطاهای بسیاری در کتاب راه یافته باشد.

امید که چشم پوشی کریمانه و رهنمودهای دانشورانه شما پرده پوش لغزش ها و رافع خطاها شود.
بارخدا یا !:

ما که ایم اول تویی آخر تویی

هم طلب از تست و هم هر نیکوی

پرویز البرز

لواسان، اسفند ماه ۱۳۸۹

۱. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۲۵.